

آثار پیشرفت علوم بر جایگاه صلح: چالش‌ها و دستاوردها

علیرضا رنجبر^۱

دانش فقط در یک محیط صلح‌آمیز پیروز می‌شود و عقل تنها در زمان صلح رشد می‌کند.

امانوئل کانت

چکیده

از ابتدای تاریخ تاکنون پیشرفت علوم از طریق به کارگیری دو ابزار عمده بر جایگاه صلح تأثیرگذار بوده است: ابزارهای سخت‌افزاری و ابزارهای نرم‌افزاری. اگرچه در گستره زمانی پیش از تصویب منشور ملل متحد، ابزارهای سخت‌افزاری نظامی از شمشیر و تیر و کمان گرفته تا زیردریایی و هواپیما، همگی بخشی جدایی‌ناپذیر و یکی از عوامل اصلی شعله‌ور شدن آتش جنگ‌ها به حساب می‌آمدند، اما پس از تصویب منشور ملل متحد، رویه دولت‌ها به خصوص با توجه به آثاری تغییر کرد که دو جنگ جهانی بر سرنوشت بشریت گذاشتند و در راستای حفظ صلح به سمت استفاده از ابزارهای سخت‌افزاری غیرنظامی از جمله سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای حرکت کردند که در رأس آنها سازمان ملل متحد قرار دارد. علاوه بر این، پس از تصویب منشور، جامعه بین‌المللی به ابزارهای نرم‌افزاری توجه کرده است که مجموعه‌ای از حقوق و تکالیف در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی و نتیجه فعالیت‌های سیاسی و به خصوص حقوقی بین‌المللی بازیگران جامعه جهانی‌اند، به خصوص با علم به اینکه اجرای ابزارهای نرم‌افزاری متکی به ابزارهای سخت‌افزاری و به نوعی مقدمه استفاده از ابزارهای اخیر در جامعه بین‌المللی پسا ملل متحد است. کاربرد مثبت ابزارهای نرم‌افزاری به خصوص پس از تأسیس سازمان ملل متحد بسیار پُررنگ است اما استفاده منفی یا سوءاستفاده از این ابزارها نیز وجود دارد.

کلیدواژه‌گان: پیشرفت علوم، فناوری‌های نوین، علوم انسانی، جنگ، صلح، منشور ملل متحد، سازمان ملل متحد.

مقدمه

روابط میان جوامع بشری از ابتدای خلقت تاکنون از دو حالت صلح^۲ یا جنگ خارج نبوده است

۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی.

alirezaranjbar@gmail.com

۲. برای صلح تعاریف مختلفی ارائه شده است که بعضی از آنها به صلح به عنوان یک مفهوم، بعضی به عنوان یک وضعیت و فرایند و بعضی دیگر به عنوان یک فرهنگ (فرهنگ صلح) می‌نگرند. گستره مخاطبین صلح نیز متفاوت است به طوریکه گاهی اوقات تنها دولت‌ها مخاطب قرار می‌گیرند و گاهی کوچکترین واحد اجتماعی - خانواده - مخاطب آن است. اما آنچه از صلح در این نوشتار مدنظر است، وضعیتی است که در مرحله اول بر نبود مخاصمات مسلحانه میان بازیگران دولتی و یا غیردولتی دلالت دارد (صلح منفی) و در مرحله بعد به دنبال تثبیت این وضعیت از طریق اقدامات آموزشی، علمی و فرهنگی (صلح مثبت) است.

(Simma, 2012: 203). با این حال، کفه جنگِ ترازوی تاریخ بسیار سنگین‌تر از کفه صلح آن است به طوری که آدمی از ۳۴۰۰ سال تاریخ شناخته شده، تنها حدود ۲۵۰ سال را در صلح به سر برده (ضیایی بیگدلی، ۱۳۸۴: ۵۳۳) که در مقام مقایسه بخش زیادی از آن به پس از تصویب منشور ملل متحد و تعهد دولت‌ها به حفظ صلح و امنیت بین‌المللی باز می‌گردد. بنابراین، جنگ یا آنچه که امروز مخاصمات مسلحانه نامیده می‌شود^۱ از یک سو و صلح از سوی دیگر جزئی جدایی‌ناپذیر از تاریخ بشری به حساب می‌آیند و همین امر لزوم مطالعه و بررسی ابعاد مختلف این دو پدیده را به منظور شناخت عواملی که در بروز و ظهور جنگ‌ها و فرایند شکل‌گیری صلح و حفظ آن اثرگذار بوده‌اند، برجسته می‌کند تا به این ترتیب نسبت به جلوگیری از جنگ و حفظ صلح در آینده اقدام‌های لازم صورت گیرد. یکی از مسائلی که هم در زمان جنگ و هم در زمان صلح بسیار برجسته است و با وجود نقش حیاتی خود کمتر مورد توجه قرار گرفته است، مسئله پیشرفت علوم و جایگاه آن بر جنگ و صلح (حفظ یا نقض آن) است. آنچه در این میان حائز اهمیت است، حضور مستمر و پُررنگ علوم به طور موازی در وقوع منازعات از یک سو و تلاش برای رسیدن به صلح و حفظ آن از سوی دیگر است. به عبارت ساده، پیشرفت علوم همواره یکی از عوامل تأثیرگذار بر وقوع جنگ و ایجاد صلح بوده است. با وجود این، تأثیر منفی علوم بر صلح بیشتر در مرکز توجه سیاستمداران، حقوقدانان، رسانه‌های جمعی و مردم قرار گرفته است و به این ترتیب مطالعه جنبه‌های مثبت پیشرفت علوم و نقشی که بر حفظ صلح می‌گذارند، در سایه آن قرار گرفته است. بنابراین، نباید پنداشت که تأثیر پیشرفت علوم بر صلح همواره دارای بُعد منفی بوده است بلکه باید به موازات تأثیر منفی علوم بر جایگاه صلح، به تأثیر مثبت آن نیز اشاره کرد و به سنجش و تطبیق این دو وضعیت و میزان تأثیر آنها بر یکدیگر پرداخت. در این نوشتار کوشش خواهد شد تا با نگاهی واقع‌بینانه به نقش علوم در حفظ یا نقض صلح، ضمن مرور جنبه‌های منفی پیشرفت علوم، به بررسی جنبه‌های مثبت آن نیز پرداخته شود. به این منظور، ابتدا آثار تاریخی علوم بر صلح را مورد مطالعه قرار خواهیم داد و پس از آن، ابزارهای تأثیرگذار پیشرفت علوم بر حفظ صلح را بررسی خواهیم کرد.

آثار تاریخی پیشرفت علوم بر صلح

همانطور که در مقدمه گفته شد بخش زیادی از زمانی که ملت‌ها در صلح به سر برده‌اند به پس از تصویب منشور ملل متحد باز می‌گردد که بیانگر نقش پُررنگ منشور ملل متحد بر حفظ صلح است. بنابراین، با توجه به اهمیت منشور در زمینه حفظ صلح، آثار تاریخی پیشرفت علوم در دو بازه زمانی پیش و پس از تصویب منشور ملل متحد مورد مطالعه قرار خواهد گرفت.

۱. مخاصمات مسلحانه اعم است از مخاصمات مسلحانه بین‌المللی که میان دولت‌ها به وقوع می‌پیوندد و معادل مفهوم جنگ در معنای سنتی آن است و مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی که در داخل مرزهای یک دولت به وقوع می‌پیوندد و می‌تواند میان گروه‌های مسلح مخالف دولت با نیروهای مسلح دولتی و یا میان دو یا چند گروه مسلح غیردولتی باشد.

پیش از تصویب منشور ملل متحد

دوران پیش از تصویب منشور ملل متحد، خط زمانی گسترده‌ای را دربرمی‌گیرد که ابتدای این خط از آفرینش انسان آغاز و انتهای آن به جنگ جهانی دوم ختم می‌شود. پیشرفت علوم در این گستره زمانی، همواره نقشی اساسی را در درگیری میان ملتها ایفا کرده است، به طوری که در این دوران، علوم از ابتدایی‌ترین تا پیشرفته‌ترین شکل آن، همواره نقشی جدایی‌ناپذیر را در درگیری‌ها و منازعات میان ملتها برعهده داشته‌اند. مروری گذرا بر روابط خصمانه میان ملتها در این خط زمانی حکایت از آن دارد که اسباب و وسایل جنگیدن که همواره تابعی از پیشرفت علوم بوده‌اند، جزئی جداناپذیر از جنگ‌ها به حساب می‌آیند: در روزگاران کهن، انسان‌ها برای مبارزه با یکدیگر از چوب و چماق استفاده می‌کردند. با کشف آتش و شکل‌گرفتن صنعت آهنگری، چوب و چماق جای خود را به شمشیر و نیزه دادند. اختراع باروت و استفاده از توپ در قرون میانه، شکل جنگیدن را تغییر داد و آن را وارد مرحله جدیدی کرد. در جنگ جهانی اول، برای اولین بار از تانک و هواپیما استفاده شد که نقشی تعیین‌کننده در سرنوشت جنگ داشتند و در نهایت وقوع جنگ دوم جهانی کمتر از یک قرن پیش که به موجب آن میلیون‌ها نفر انسان بی‌گناه تنها به انگیزه کشورگشایی و منافع شخصی گروهی اندک، به خاک و خون کشیده شدند، نقطه اوج جنگ‌های انسانی به حساب می‌آید که آوار کردن بمب‌های هسته‌ای "پسر کوچک" و "مرد چاق" بر سر مردمان شهرهای هیروشیما و ناکازاکی پایانی تلخ را بر این مرثیه سیاه رقم زد.

جایگاه پیشرفت علوم در این دوران به این علت قابل تأمل است که شاهد تأثیر متقابل فناوری‌های نوظهور و جنگ‌ها بر یکدیگریم به طوری که این گفته که از یک سو، فناوری‌های نوظهور بلافاصله مورد استفاده نظامی قرار می‌گرفتند و از سوی دیگر، عطش چیره شدن بر دشمن موجب ظهور و توسعه فناوری‌های نوین می‌شد (Bothe, 2012: 51)، بیشتر بر این دوران قابل انطباق است. بنابراین، می‌توان ادعا کرد در دوران پیش از تصویب منشور ملل متحد، پیشرفت علوم به خصوص در ابعاد نظامی غالباً در جهت منفی و جنگ‌افروزی مورد استفاده قرار گرفته است.

این تأثیرگذاری متقابل، از دو منظر کمی و کیفی بر صلح اثرگذار بوده است. از منظر کمی، به مرور شاهد گسترش جغرافیایی میدان‌های جنگ هستیم به طوری که در جنگ دوم جهانی به علت استفاده از هواپیما، کشتی و زیردریایی، قریب به اتفاق کشورها به طور مستقیم یا غیرمستقیم درگیر جنگ بودند (World War 2 website) که تاکنون رکوردی بی‌سابقه به حساب می‌آید^۱. از سوی دیگر، مسئله تفکیک میان نظامیان و غیرنظامیان که برای اولین بار در کتاب قرارداد اجتماعی ژان ژاک

1. Little Boy

2. Fat Man

۳. تا پایان جنگ دوم جهانی تنها پنج کشور اسپانیا، ایرلند، پرتغال، سوئد و سوئیس به طور کامل بیطرفی خود را حفظ کردند.

روسو در ۱۷۶۲ مطرح شد (Bothe, 2012: 52) و از آن پس به خصوص با تلاش‌های کمیته بین‌المللی صلیب سرخ سعی در حفظ حقوق غیرنظامیان شد (Gorman & Mihalkanin, 2007: 143-144)، اما با توسعه علوم، دامنه اثرگذاری سلاح‌های جدید به دلیل قدرت تخریب بسیار زیاد بر جمعیت‌های غیرنظامی که نقشی در جنگ‌ها ایفا نمی‌کردند نیز کشیده شد که نمونه بارز آن بمباران اتمی هیروشیما و ناکازاکی است.

علت اصلی شکل‌گیری چنین فرایندی را می‌توان در دو عامل اصلی جستجو کرد. عامل اول اصل "حق بر جنگ"^۱ است. حق بر جنگ در عصر حاضر به معنای استفاده یک دولت از نیروی نظامی علیه دولتی دیگر در چارچوب حقوق بین‌الملل است (Fellmeth & Horwitz, 2009: 150) که مطابق با منشور ملل متحد این چارچوب به قطعنامه‌های فصل هفتمی شورای امنیت و دفاع مشروع مندرج در ماده ۵۱ منشور محدود می‌شود. اما پیش از تصویب منشور، حق بر جنگ معنای گسترده‌تری را در بر می‌گرفت به این توضیح که هر دولتی می‌توانست با استناد به این حق به صورت قانونی (و حتی برخلاف اخلاق) و به هر دلیلی با رعایت تشریفات که برای حق بر جنگ شناخته شده بود از جمله ضرورت صدور یک اعلامیه رسمی مبنی بر آغاز جنگ پیش از شروع حمله، نسبت به آغاز جنگ اقدام کند (Fellmeth & Horwitz, 2009: 150). بدیهی است چنین حقی این امکان را به دولت‌های قدرتمند می‌داد تا به منظور سنجش قدرت نظامی خود که با آخرین علوم آن زمان به‌روزرسانی شده بودند و در راستای دستیابی به منافع خود اعم از سیاسی، اقتصادی و سایر منافع، نسبت به آغاز یک جنگ اقدام کنند و تجهیزات نظامی خود را در کارزار حقیقی، به صورت مستقیم یا غیرمستقیم (در اختیار قراردادن تجهیزات به دُول دیگر) به ورطه آزمایش بگذارند.

عامل دوم را باید در فقدان موفقیت دولت‌ها در ممنوعیت یا محدودیت جنگ‌ها تلقی کرد. تا پیش از تصویب منشور ملل متحد در بعضی از قراردادهای و پیمان‌ها از جمله کنفرانس‌های صلح لاهه ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷، میثاق جامعه ملل، پروتکل ژنو برای حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات بین‌المللی ۱۹۲۴ و پیمان بریان کلوک ۱۹۲۸ سعی در مهار و محدود کردن جنگ میان دولت‌ها شده بود (Simma, 2012: 204-206) اما هیچکدام از آنها سازوکارهای مشخص و ضمانت اجراهای مناسبی را برای مهار به کارگیری زور در روابط بین‌المللی پیش‌بینی نکرده بودند و به این علت موفقیت‌چندانی را در این زمینه به دست نیاوردند.

بنابراین می‌توان گفت پیشرفت علوم در این دوران دارای دو شاخص اصلی است؛ شاخص اول استفاده نظامی از علوم و شاخص دوم تأثیر شکلی علوم بر تجهیزات نظامی است. به عبارت دیگر، ترویج علوم در این دوران اثر مستقیم بر وسایل و ادوات نظامی داشته است و یکی از عوامل مؤثر در میدان‌های جنگ، تجهیزات مدرن نظامی بوده است.

پس از تصویب منشور ملل متحد

منشور ملل متحد در بند ۴ ماده ۲، دولت‌های عضو ملل متحد را از هرگونه تهدید و به کارگیری زور منع می‌کند و برای نقض این مقرر، ضمانت اجراهای محکمی را نیز مورد پیش‌بینی قرار داده است که توسط شورای امنیت اعمال می‌شود که هسته اصلی و دائمی آن پنج قدرت نظامی (و علمی) برتر و فاتح جنگ دوم جهانی‌اند. این مقرر باعث شد تا حق بر جنگ که تا پیش از این به عنوان یک اصل شناخته می‌شد، به یک استثناء تبدیل شود که کاهش تعداد مخاصمات مسلحانه بین‌المللی (مخاصمات میان دولت‌ها) در سال‌های پس از تصویب منشور ملل متحد، می‌تواند گواهی بر این ادعا باشد.

این مقرر، مانع گسترش استفاده از فناوری‌های نوین در تجهیزات نظامی نشد لیکن باعث شد تا از یک سو استفاده از ابزارها و ادوات جنگی در چارچوب خاصی (دفاع مشروع مندرج در ماده ۵۱ منشور و نظام امنیت جمعی مطابق با فصل هفتم منشور) دنبال شود و از سوی دیگر بهای بیشتری به بعضی از رشته‌های علوم انسانی همچون روابط بین‌الملل، علم سیاست و به خصوص حقوق بین‌الملل داده شود که به نوعی با منافع دولت‌ها در ارتباط هستند. در حقیقت، پس از تصویب منشور ملل متحد تغییر در نوع حاکمیت‌ها و ساختار نظام بین‌المللی باعث تغییر در نوع دیپلماسی شد و دیپلماسی زور جای خود را به سایر انواع دیپلماسی داد؛ دولت‌ها دیپلماسی نرم را جایگزین و مقدمه‌ای بر دیپلماسی زور قرار دادند و سعی کردند تا با استناد به اصول و قوانین حقوق بین‌الملل و تفسیر آنها در راستای منافع خود، زمینه‌های استفاده از نیروی نظامی را به شکل قانونی فراهم آورند. بهترین مثال برای چنین فرایندی دولت‌های اروپایی و آمریکای شمالی هستند که با درک جایگاه رشته حقوق بین‌الملل در مناسبات بین‌المللی نوین و با توجه به اهمیت این رشته در راستای احقاق حقوق خود در عرصه بین‌المللی در سطوح عالی آموزشی، توجهی خاص به آموزش این رشته دارند به طوری که "قدیمی‌ترین و معتبرترین دانشگاه‌هایی که این رشته در آنها تدریس می‌شود در کشورهای قرار دارند که در حوزه تنظیم روابط خارجی خویش برنامه‌هایی مشخص و بلندمدت دارند و از دستگاه‌های فعال دیپلماسی و سیاست خارجی در سطح منطقه و جهان برخوردارند، همان‌ها که اغلب پست‌های بالا در سازمان‌های بین‌المللی را به خود اختصاص داده‌اند و سعی می‌کنند در تعیین محتوا و مسیر حرکت نظام حقوقی بین‌المللی نقش فعال‌تری را در مقایسه با دیگران ایفا کنند و نگرانی‌های ملی خود را در هسته منافع جمعی بگنجانند" (زمانی، ۱۳۹۲: ۵۱).

همچنین باید به این نکته توجه داشت که با تصویب منشور ملل متحد و پذیرش اصل منع توسل به زور در روابط بین‌المللی دولت‌ها، ابزارها و ادوات نظامی به سازوکاری برای حفظ صلح تبدیل شدند به خصوص در قالب اقدام‌های شورای امنیت مطابق با فصل هفتم منشور ملل متحد. با وجود این، دولت‌ها اشتیاق خود به گسترش تجهیزات نظامی پیشرفته را حفظ کردند و حتی در مواردی اقدام به توجیه اعمال خود در چارچوب بنیان‌های فکری حقوق بین‌الملل و منشور ملل متحد کردند

تا به این وسیله اقدام‌های خود را مشروع جلوه دهند. بنابراین می‌توان ادعا کرد که پس از تصویب منشور ملل متحد، دولت‌ها همچنان به استفاده از علوم در توسعه تجهیزات نظامی خود به عنوان یک عامل بازدارنده ادامه دادند، و از علوم انسانی و به خصوص حقوق بین‌الملل نیز در راستای مشروعیت بخشیدن به اقدام‌های نظامی خود در آنجا که پای منافعشان به میان می‌آید، بهره بردند.

مطابق با آنچه گفته شد شاخص علوم در این دوره، پیشرفت علوم انسانی از جمله حقوق بین‌الملل، روابط بین‌الملل و علم سیاست به موازات پیشرفت در فناوری‌های نظامی است. ضمن آنکه استفاده از فناوری‌های نظامی به رعایت هنجارهای حقوق بین‌الملل وابسته است. بنابراین ترویج علم در این بازه زمانی بیشتر بر ماهیت صلح (تعریف و تفسیر این مفهوم) تأثیرگذار بوده است تا شکل تجهیزات و ادوات نظامی.

ابزارهای پیشرفت علوم بر جایگاه صلح

پیشرفت علوم از طریق به کارگیری دو ابزار عمده بر جایگاه صلح تأثیرگذار است. ابزارهای سخت‌افزاری که می‌توان از آنها به عنوان ابزارهای شکلی یاد کرد و ابزارهای نرم‌افزاری که می‌توان آنها را ابزارهای ماهوی نامید.

ابزارهای سخت‌افزاری (شکلی)

همان‌طور که در بخش اول از نظر گذشت، اختراع، کشف و پیشرفت فناوری‌های نوین به عنوان یکی از نتایج پیشرفت علوم در دوران مختلف، تنها شکل درگیری‌ها را تغییر داده است. به عبارت بهتر، اثرگذاری ترویج علوم بر تجهیزات و ادوات نظامی، تنها اسباب و وسایل جنگیدن را عوض کرده است که می‌توان از آنها به عنوان ابزارهای سخت‌افزاری یاد کرد. این ابزارها قطعاً جزئی جداناپذیر از جنگ‌ها به حساب می‌آیند که بدون وجود آنها امکان جنگیدن وجود ندارد. حتی در عصر حاضر که جغرافیای مخاصمات مسلحانه به قلمرو فضای مجازی نیز کشیده شده است و صحبت از "جنگ سایبری"^۱ می‌شود، ابزارهای سخت‌افزاری از جمله رایانه‌ها بخشی ناگسستنی از این مخاصمات‌اند (Schmitt, 2002: 365).

ابتدایی‌ترین شکل ابزارهای سخت‌افزاری را باید سنگ و چوب به حساب آورد که انسان‌های اولیه برای بقا و حیات خود از آنها استفاده می‌کردند. با پیشرفت دانش بشر، ابزارهای سخت‌افزاری نیز سیر تکاملی خود را طی تاریخ آغاز کردند و اشکال متفاوتی از جمله شمشیر، نیزه، تیر و کمان، منجنیق، توپ، تفنگ، کشتی، تانک، هواپیما، زیردریایی و ... را پشت سر گذاشتند و امروز استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین، حملات سایبری، به کارگیری روبات‌های جنگجو، استفاده از فناوری نانو در تجهیزات و ادوات نظامی و استقرار سلاح در فضای ماورای جو بزرگترین تأثیر پیشرفت علوم بر ابزارهای سخت‌افزاری‌اند (Boothby, 2014: 174). استفاده از هوش مصنوعی در سخت‌افزارهای نظامی که

آنها را به "سیستم‌های تسلیحات خودراهبر"^۱ تبدیل می‌کند (ICRC, 2011: 39-40) و در عین داشتن آثار مثبت (Arkin, 2012:98-99) می‌تواند دارای آثار منفی جبران‌ناپذیری نیز باشد (Sharkey, 2012: 111)، آخرین اثرگذاری پیشرفت علوم بر سخت‌افزارهای نظامی به حساب می‌آید.^۲

پیدایش رشته‌های جدیدی چون "تکنو استراتژی"^۳، "تکنولوژی مواد"^۴، "تکنولوژی نظامی"^۵ و ظهور مفاهیمی چون "جنگ تکنولوژی"^۶ همگی دلالت بر اهمیت یافتن استفاده تخصصی از فناوری‌های نوین در امور نظامی در عصر حاضر دارد.

البته ابزارهای سخت‌افزاری را نباید تنها به عنوان عوامل شعله‌ور شدن جنگ‌ها به حساب آورد بلکه این ابزار، به خصوص پس از تصویب منشور ملل متحد در حفظ صلح نیز به ایفای نقش پرداخته‌اند به طوری که یکی از نظرات مطرح در روابط بین‌الملل، برابری امکانات سخت‌افزاری یا آنچه توازن قوا خوانده می‌شود به عنوان یکی از موانع بروز جنگ‌ها است (عامری، ۱۳۹۱: ۴۴۱ - ۴۴۰). واگذاری مسئولیت اولیه حفظ صلح و امنیت بین‌المللی به شورای امنیت (بند ۱ ماده ۲۴ منشور ملل متحد) و حق وتوی پنج عضو دائم شورا نیز به نوعی ریشه در همین طرز تفکر دارد (Bourantonis, 2005: 75). ضمن اینکه این پنج دولت تنها دولت‌هایی هستند که به موجب بند ۳ ماده ۹ پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای، حق آنها در داشتن سلاح‌های هسته‌ای به رسمیت شناخته شده است.

استفاده از ابزارهای سخت‌افزاری نظامی در چارچوب حقوق بین‌الملل و منشور ملل متحد به منظور حفظ صلح متداولترین روش حفظ صلح است که فلسفه آن به اولین معنای صلح یعنی نبود جنگ باز می‌گردد. از این فرایند به عنوان حفظ صلح در معنای منفی (یا صلح منفی) یاد می‌شود (Anderson, 2004: 102).

در مقابل ابزارهای سخت‌افزاری نظامی باید به ابزارهای سخت‌افزاری غیرنظامی نیز اشاره کرد؛ به خصوص پس از جنگ دوم جهانی و تصویب منشور ملل متحد و مطرح شدن مفاهیمی چون ملل متحد، حفظ صلح و امنیت جمعی با توجه به آثار مخربی که دو جنگ جهانی بر سرنوشت بشریت داشتند، تمایل دولت‌ها به استفاده از علوم به خصوص علوم انسانی در راستای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و به منظور به نظم درآوردن روابط دولت‌ها گسترش یافت و دستاوردهای سخت‌افزاری بسیار مهمی در این زمینه برای بشریت به دست آمد که تأسیس آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، سازمان

1. Autonomous Weapons Systems

۲. برای کسب اطلاعات بیشتر در خصوص به کارگیری هوش مصنوعی در تجهیزات نظامی نک: علیرضا رنجبر، چالش‌های حقوق بین‌الملل بشردوستانه در قبال توسعه هواپیماهای بدون سرنشین نظامی، فصلنامه مطالعات بین‌المللی، سال دوازدهم، شماره ۲، پاییز ۱۳۹۴، صص ۱۲۶ - ۱۲۳.

3. Techno-Strategy

4. Materials Technology

5. Military Technology

6. Technology War

منع سلاح‌های شیمیایی، "سیستم نظارتی بین‌المللی"^۱ معاهده منع جامع آزمایش‌های هسته‌ای^۲ و در رأس تمام آنها سازمان ملل متحد و سازوکارهای اجرایی آن در زمینه حفظ صلح از جمله ایجاد ساختارهای نوین اقتصادی (مانند آنکتاد^۳)، اجتماعی-فرهنگی (مانند یونسکو^۴) و به خصوص شورای امنیت به عنوان مسئول اولیه حفظ صلح در چارچوب فصل ششم منشور ملل متحد (حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات) را می‌توان شکل دیگری از تأثیر ابزارهای سخت‌افزاری بر جایگاه صلح و تقویت این مفهوم به حساب آورد. گفتنی است که تمامی این سازوکارها بر پایه یک سند مؤسس شکل گرفته‌اند که نتیجه مذاکرات سیاسی و حقوقی دولت‌ها می‌باشد و در کالبد سازوکارهای شکلی و سازمان‌یافته حلول یافته‌اند.

استفاده از ابزارهای سخت‌افزاری غیرنظامی شامل ابزارهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و غیره به منظور حفظ صلح که در قالب سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای محقق شده است به عنوان حفظ صلح در معنای مثبت (یا صلح مثبت) یاد می‌شود (Institute for Economics & Peace, 2011: 1) و به آن "صلح‌سازی"^۵ نیز گفته می‌شود (Berridge and James, 2003: 183) که در برابر حفظ صلح در معنای منفی آن قرار می‌گیرد.

روشن است که ابزارهای سخت‌افزاری غیرنظامی نیز می‌توانند مورد استفاده منفی یا سوءاستفاده قرار بگیرند، آنچنان که دولت‌های دائم عضو شورای امنیت از حق وتوی خود برای از کار انداختن اقدامات شورا استفاده می‌کنند که به نوعی با منافع آنها در ارتباط است، و یا اقدام‌هایی که ایالات متحده آمریکا از طریق "سازمان کشورهای آمریکایی"^۶ به منظور کنترل آمریکای جنوبی از آنها بهره برد (ظاهری و رنجبر، ۱۳۹۴: ۱۳۶-۱۳۱).

۲-۲- ابزارهای نرم‌افزاری (ماهوی)

آثار استفاده از ابزارهای سخت‌افزاری (نظامی) بر سرنوشت بشر، به خصوص طی دو جنگ جهانی و تصویب منشور ملل متحد که استفاده از زور را در روابط میان دولت‌ها منع می‌کرد، باعث جلب توجه جامعه بین‌المللی به ابزارهای نرم‌افزاری شد که مجموعه‌ای از حقوق و تکالیف در سطح منطقه‌ای یا

1. International Monitoring System
2. Comprehensive Nuclear-Test-Ban Treaty (CTBT)
3. United Nations (UNCTAD)
4. United Nations (UNESCO)

مقدمه اساسنامه یونسکو اشعار می‌دارد: «از آنجایی که جنگ‌ها در اذهان مردم به وجود می‌آیند، دفاع از صلح نیز باید در ذهن مردم بنا شود ... صلحی که تنها بر قراردادهای سیاسی و اقتصادی دولت‌ها باشد نمی‌تواند صلحی باشد که اتفاق نظر، دوام و حمایت صادقانه ملل جهان را تأمین کند و برای اینکه صلح مزبور به شکست نینجامد باید بر پایه همبستگی معنوی و اخلاقی بشریت باشد ... در نتیجه کشورهای مزبور به این وسیله سازمان تربیتی، علمی و فرهنگی ملل متحد را به منظور پیشبرد اهداف صلح بین‌المللی و رفاه مشترک بشریت که سازمان ملل متحد برای آن ایجاد شده و منشور آن را اعلام کرده است، از طریق روابط تربیتی، علمی و فرهنگی ملل جهان ایجاد می‌کنند».

5. Peace making
6. Organization of American States

بین‌المللی و نتیجه فعالیت‌های سیاسی و به خصوص حقوقی بین‌المللی بازیگران جامعه بین‌المللی اند.^۱ منشور ملل متحد، به عنوان عالی‌ترین سند لازم‌الاجرای بین‌المللی (ضیایی بیگدلی، ۱۳۹۱: ۵۷)، نمونه برجسته‌ای از ابزارهای نرم‌افزاری است که با متعهد ساختن دولت‌ها به حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و پیش‌بینی مجموعه‌ای از سازوکارهای مسالمت‌آمیز و قهری به عنوان ضمانت اجرای رعایت اصول منشور، حقوق و تکالیفی را بر عهده آنان قرار داده است. از سوی دیگر بندهای یک و چهار ماده ۳۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری که در مقام بیان منابع حقوق بین‌الملل برآمده است بهترین نمونه‌های ابزارهای نرم‌افزاری اند. بند یک این ماده به عهدنامه‌های بین‌المللی و بند چهارم به تصمیم‌های قضایی و عقاید برجسته‌ترین مبلغان ملل مختلف (دکترین) اشاره می‌کند که در ادامه توضیحاتی درباره ارتباط این دو بند با ابزارهای نرم‌افزاری ارائه خواهد شد.

تصویب کنوانسیون‌ها و معاهده‌های گوناگون بین‌المللی در راستای تنظیم روابط دولت‌ها در موضوع‌های خاص از جمله حقوق دیپلماتیک (کنوانسیون وین درباره روابط دیپلماتیک ۱۹۶۱)، حقوق کنسولی (کنوانسیون وین درباره حقوق کنسولی ۱۹۶۳)، حقوق بشردوستانه (کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ و پروتکل‌های الحاقی آن)، حقوق معاهدات (کنوانسیون وین درباره حقوق معاهدات ۱۹۶۹)، حقوق دریاها (کنوانسیون حقوق دریاها ۱۹۸۲)، حقوق جنگ (معاهده تجارت اسلحه ۲۰۱۴) و غیره و تأسیس نهادهای داوری و قضایی بین‌المللی از جمله دیوان بین‌المللی داوری، دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی، دیوان بین‌المللی دادگستری و سایر مراجع داوری و قضایی بین‌المللی در راستای حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلاف‌های دولت‌ها به خوبی نشان‌دهنده استقبال جامعه جهانی از ابزارهای نرم‌افزاری است.

بخشی از این عهدنامه‌ها به عنوان تعهدات عام‌الشمول شناخته می‌شوند و مفاد بعضی از آنها در زمره قواعد امره حقوق بین‌الملل قرار می‌گیرد. تعهدات عام‌الشمول، تعهداتی هستند که با توجه به ماهیت، جایگاه و اهمیتی که برای دولت‌ها دارند، به عنوان یک تکلیف عام، تمام دولت‌ها در قبال اجرای آنها مسئولانند. بنابراین، حمایت از این تعهدات توسط دولت‌ها برای آنان دارای منفعت است (ICJ, 1970: 32) و نقض این تعهدات از سوی یک یا چند دولت منتهی به نقض حقوق سایر دولت‌ها می‌شود.

از سوی دیگر، قواعد امره حقوق بین‌الملل که برای اولین بار در "معاهده وین درباره حقوق معاهدات ۱۹۶۹" مورد توجه قرار گرفتند به عنوان قواعدی که "جامعه بین‌المللی دولت‌ها در کل خود، آن را در حد قاعده‌ای که هیچ‌گونه تخطی از حدود آن مجاز نیست و نمی‌تواند جز با قاعده جدید حقوق بین‌الملل عام، با همان خصوصیت، تغییر یابد" (معاهده وین درباره حقوق معاهدات، ۱۹۶۹، ماده ۵۳) شناخته می‌شوند. این قواعد بارها و در قضایای مختلف توسط دیوان بین‌المللی دادگستری مورد توجه

۱. البته پیش از تصویب منشور ملل متحد نیز نشانه‌هایی از ظهور ابزارهای نرم‌افزاری از جمله تأسیس اولین دانشکده روابط بین‌الملل در سال ۱۹۱۹ در آمریکا وجود دارد، اما از یک سو عمده این تلاش‌ها ناموفق بوده است و از سوی دیگر توجه به ابزارهای نرم‌افزاری پس از تصویب منشور ملل متحد پررنگ‌تر شد که همین امر موجب رشد و تسریع استفاده از این ابزارها شد.

قرار گرفته و دیوان الزام دولت‌ها به رعایت این اصول را مورد تأکید قرار داده است که در این خصوص می‌توان به آرای دیوان در قضایای "وارد کردن شرط بر معاهده منع و دفع کشتار جمعی" و "عملیات نظامی و شبه نظامی آمریکا در نیکاراگوئه" اشاره کرد. دیوان در رأی مشورتی خود در قضیه "وارد کردن شرط بر معاهده منع و دفع کشتار جمعی" (ICJ, 1951: 23)، اصولی که مبنای این معاهده قرار گرفته است را اصولی می‌خواند که ملت‌های متدین، فارغ از هرگونه التزام قراردادی، همچون اصولی الزام‌آور و قابل استناد در قبال کلیه دولت‌های جهان، پذیرفته و مورد شناسایی قرار داده‌اند و در قضیه "عملیات نظامی و شبه نظامی آمریکا در و علیه نیکاراگوئه" (ICJ, 1986: 100) برای تأکید بر جایگاه قاعده منع توسل به زور به عنوان یک قاعده آمره که در بند ۴ ماده ۲ منشور ملل متحد بازتاب یافته است به نظر تفسیری کمیسیون حقوق بین‌الملل در خصوص ماده ۵۳ معاهده ۱۹۶۹ حقوق معاهدات استناد می‌کند و بند ۴ ماده ۲ منشور (ممنوعیت توسل به زور) را مثال برجسته‌ای از قاعده آمره حقوق بین‌الملل قلمداد می‌کند (فلسفی، ۱۳۸۳: ۳۰۳).

تأکید "معاهده وین درباره حقوق معاهدات" روی جایگاه قواعد آمره با این منطق که "هر معاهده‌ای که در زمان انعقاد، با یکی از قواعد آمره حقوق بین‌الملل عام در تعارض باشد، باطل است" (معاهده وین درباره حقوق معاهدات، پیشین) و "در صورت پدیداری هر قاعده آمره جدید حقوق بین‌الملل عام، هر معاهده موجودی که با این قاعده در تعارض باشد باطل می‌گردد و خاتمه می‌پذیرد" (معاهده وین درباره حقوق معاهدات، ۱۹۶۹، ماده ۶۴) دلالت بر جایگاه ممتاز این قواعد در حقوق بین‌الملل دارند.

کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ نمونه برجسته‌ای از معاهدات عام‌الشمول و ماده ۱ مشترک آن نمونه برجسته‌ای از قواعد آمره است که رعایت آن برای تمامی طرف‌های درگیر و غیردرگیر چه عضو کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو باشند یا خیر لازم‌الاجراست. ژان پیکته - مسئول تفسیر مفاد کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو - اعتقاد دارد "معاهدات حقوق بشردوستانه، آفریننده تعهدی بر مبنای مقابله با مثل نیستند که بر آن اساس، هر یک از طرفین تا جایی و در حدی متعهد باشد که طرف دیگر نیز آن را اجرا می‌کند. آن اسناد بر بردارنده مجموعه‌ای از تعهدات یک جانبه‌اند؛ تعهداتی در برابر کل جامعه بین‌المللی" (Pictet, 1952: 25). دیوان بین‌المللی دادگستری نیز در نظر مشورتی خود در قضیه سلاح‌های هسته‌ای، اصول حقوق بشردوستانه را در زمره قواعد آمره برمی‌شمارد (ICJ, 1996: para 82). از سوی دیگر، ماده ۱ مشترک این کنوانسیون طرف‌های معظم متعاهد را متعهد به رعایت و تضمین رعایت مفاد کنوانسیون می‌کند. مطابق با این مقرر "دولت‌ها متعهدند تا تضمین نمایند که قاعده و تعهد مورد نظر توسط ارکان و همه افراد و موضوع‌های تحت تابعه و صلاحیتشان رعایت می‌شود. در مقابل، تعهد به کسب اطمینان از رعایت، به این معناست که دولت‌ها، اعم از آنکه در یک مخاصمه درگیر باشند یا نباشند، موظفند تمامی اقدام‌های لازم و مشروع را برای کسب اطمینان از رعایت و محترم شمرده شدن قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه توسط همگان و به ویژه طرف‌های درگیر در یک مخاصمه مسلحانه انجام

دهند" (پور اردکانی، ۱۳۸۵: ۳۱۱ - ۳۱۰). امروز دایره این ماده تا جایی گسترش یافته است که پروفسور ساسولی اعتقاد دارد که نادیده انگاشتن این مقررہ از سوی سایر دولت‌ها (دولت‌های ثالث) نقض حقوق بشردوستانه به حساب می‌آید (Sassòli, 2002: 422).

معاهده تجارت اسلحه که در دسامبر ۲۰۱۴ لازم‌الاجرا شد را باید در زمره آخرین ابزارهای نرم‌افزاری به حساب آورد که به دنبال "ایجاد بالاترین استانداردهای مشترک بین‌المللی ممکن برای تجارت بین‌المللی سلاح‌های متعارف، به منظور جلوگیری و کاهش تجارت غیرقانونی سلاح‌های متعارف و جلوگیری از سوء استفاده از آنهاست ..." (بخش اول ماده ۱).

نقش دیگر ابزارهای نرم‌افزاری به عنوان سند مؤسس، جان بخشیدن به سازوکارهای بین‌المللی و منطقه‌ای است. بنابراین در این مفهوم ابزارهای نرم‌افزاری را می‌توان مقدمه و پیش‌زمینه ابزارهای سخت‌افزاری به حساب آورد. منشور ملل متحد به عنوان سند مؤسس سازمان ملل متحد، کنوانسیون بین‌المللی هواپیماهای کشوری به عنوان سند مؤسس "سازمان بین‌المللی هواپیمایی کشوری" ^۱ یا ایکائو و اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری یا اساسنامه رم به عنوان سند مؤسس "دیوان بین‌المللی کیفری" ^۲ نمونه‌های برجسته ابزارهای نرم‌افزاری‌ای‌اند که منتهی به متولد شدن ابزارهای سخت‌افزاری شده‌اند.

کاربرد مثبت ابزارهای نرم‌افزاری به خصوص پس از تأسیس سازمان ملل متحد بسیار پررنگ است اما استفاده منفی یا سوءاستفاده از این ابزارها نیز وجود دارد به طوری که محدودیت در استفاده از ابزارهای نظامی که تا پیش از تصویب منشور ملل متحد به عنوان ابزار فشار دولت‌ها بر یکدیگر به کار می‌رفت، باعث جلب توجه دولت‌ها به ابزارهای نرم‌افزاری شد تا از این طریق منافع خود را که تا پیش از این از طریق به کارگیری زور تأمین می‌کردند به وسیله مجموعه‌ای از حقوق و تعهدات دوجانبه، منطقه‌ای و حتی بین‌المللی و ارائه تعاریف و تفاسیر جدید از مفاهیم حقوقی تأمین کنند. به خصوص با علم به اینکه ابزارهای نرم‌افزاری متکی به ابزارهای سخت‌افزاری و به نوعی مقدمه استفاده از آنها در جامعه بین‌المللی پسا ملل متحدند. این نحوه استفاده از ابزارهای نرم‌افزاری در ارتباط مستقیم با دکترین یا آموزه‌های حقوقی برجسته‌ترین علمای حقوق است.

پرورش و تربیت حقوقدانان برجسته در دانشگاه‌های برتر به منظور تفسیر مفاهیم حقوقی بین‌المللی در راستای تأمین منافع دولت‌ها و استفاده از نظرات این حقوقدانان در راستای قانونمند ساختن اقدام‌هایی که می‌تواند در حالت عادی نقض اصول و قواعد حقوق بین‌الملل به حساب آید، گامی است که دولت‌های قدرتمند در راستای محکم کردن جای پای خود در عرصه روابط بین‌المللی

1. International Civil Aviation Organization (ICAO)

2. International Criminal Court (ICC)

۳. برای اطلاعات بیشتر نک: علیرضا ظاهری و علیرضا رنجبر (۱۳۹۴). نقدی بر فرایند مصونیت‌سازی دولت‌ها از منظر حقوق بین‌الملل با تمرکز بر فعالیت‌های ایالات متحده آمریکا، مجموعه مقالات همایش مصونیت در حقوق بین‌الملل، برگزار شده توسط انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد (۱۳۹۱)، انتشارات گنج دانش، چاپ اول، صص ۱۳۶ - ۱۲۴.

برداشته‌اند که منتهی به پیشرفت علوم انسانی به خصوص علوم سیاسی، روابط بین‌الملل و به طور خاص حقوق بین‌الملل شده است. نمونه بارز چنین رویه‌ای را می‌توان در قبال حق دفاع مشروع مندرج در ماده ۵۱ منشور ملل متحد یافت؛ بدین توضیح که ممنوع شدن استفاده از زور در منشور ملل متحد (بند ۴ ماده ۲) باعث شده تا دولت‌های جنگ طلب، با استناد به استثنای مندرج در منشور در راستای استفاده از زور، اقدام به تفسیر موسع از این استثنایا به خصوص حق دفاع مشروع نمایند تا به این وسیله بیشترین بهره‌برداری را از منافع خود داشته باشند که با جنگ و درگیری گره خورده است. ارایه قالب‌های جدید از دفاع مشروع که منتهی به شکل‌گیری "دفاع مشروع پیش‌دستانه"^۱ و "دفاع مشروع پیشگیرانه"^۲ شد را باید در این زمره به حساب آورد. شاید به این علت است که هانس بلیکس - رئیس اسبق آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و وزیر امور خارجه پیشین سوئد - دفاع مشروع را استثنائی تلقی می‌کند که خود به یک اصل تبدیل شده است (Blix, 2008: 25).

اتخاذ چنین رویکردی در میان دولت‌ها سبب شد تا از سال ۲۰۰۱ مفهوم جدیدی با عنوان "حق آوری"^۳ یا جنگ نرم شکل گیرد (Scharf & Andersen, 2010: 11) که نقطه مقابل مفهوم قدیمی "جنگ آوری"^۴ یا جنگ سخت و به عنوان "راهبرد استفاده یا سوءاستفاده از حقوق به عنوان جایگزینی برای ابزارهای نظامی کلاسیک به منظور دستیابی به اهداف عملیاتی" (Scharf & Andersen, 2010: 11) تعریف شده است. در همین راستا می‌توان به مفهوم مصونیت‌سازی نیز اشاره کرد که می‌توان آن را "سوءاستفاده دولت‌ها در ایجاد مصونیت به نفع مقامات، مسئولان و افراد وابسته به خود به طور مستقیم یا غیر مستقیم در موارد خاص دانست که فاقد مبانی عرفی و قانونی می‌باشد، به طوری که در ظاهر با استناد به اصول و قواعد حقوق بین‌الملل شکل می‌گیرد و همواره با تفسیرهایی از این اصول و قواعد همراه است، لیکن این اصول و قواعد تاب و توان چنین تفسیرهایی را نداشته و هدف نهایی از چنین فرایندی فرار اشخاص از مسئولیت و مجازات است» تعریف کرد (ظاهری و رنجبر، ۱۳۹۴: ۱۱۸).

نتیجه‌گیری

در ایتالیا ضرب‌المثلی وجود دارد که بیان می‌دارد "قانون سه روز پیرتر از دنیا است". این ضرب‌المثل دلالت بر عقب بودن فرایند وضع قوانین نسبت به تغییر و تحولات جدید دارد. با وحدت ملاک گرفتن از این ضرب‌المثل می‌توان در خصوص تأثیر پیشرفت علوم بر جایگاه صلح نیز از برداشت مشابهی استفاده کرد. به این مضمون که حقوق بین‌الملل در قبال تنظیم قواعد حقوقی حاکم بر علوم که به نوعی بر صلح تأثیر گذارند، به کندی حرکت می‌کند. به هر حال باید به این نکته توجه داشت که در عصر کنونی پیشرفت علوم هر روز نسبت به گذشته از سرعت بیشتری برخوردار شده است و همین

1. Anticipatory self-defence
2. Pre-emptive self-defence
3. Lawfare
4. Warfare

امر چالش‌های بیشتری را پیش روی جامعه بین‌المللی در مهار و کنترل علوم در راستای حفظ صلح قرار داده است. با این حال، پیش از تصویب منشور ملل متحد، استفاده از علوم غالباً در جهت منفی مورد استفاده قرار می‌گرفت اما در عصر حاضر، استفاده از علوم غالباً در جهت مثبت مورد استفاده واقع شده است؛ هرچند، استفاده منفی یا سوءاستفاده از علوم در قالب سخت‌افزاری و نرم‌افزاری همچنان پابرجاست.

نکته دیگری که باید به آن توجه داشت این است که پس از تصویب منشور ملل متحد، دولت‌ها میل خود به بهره‌برداری از علوم در تجهیزات نظامی را حفظ کردند اما در سوی مقابل و در قالب اقدام‌های جمعی، زمینه استفاده از علوم در راستای حفظ صلح را فراهم آوردند. به عبارت دیگر، پس از تصویب منشور، سوءاستفاده از پیشرفت علوم جنبه انفرادی پیدا کرد در حالی که استفاده از علوم در راستای مهار سوءاستفاده از علوم در قالب اقدامات جمعی تحقق یافته است.

توجه به علوم انسانی نیز باعث شده است تا دولت‌ها از جنگ سخت به سمت جنگ نرم حرکت کنند به طوری که در عصر کنونی استفاده سخت‌افزاری از سیاست جای خود را به استفاده نرم‌افزاری داده است. دولت‌ها سعی می‌کنند تا منافع سیاسی خود را با ابزارهای حقوقی تأمین کنند و توسل به نیروی نظامی به عنوان آخرین گزینه و در خدمت ابزارهای حقوقی مورد استفاده قرار می‌گیرد. این رویه تا جایی مورد توجه و قبول قرار گرفته و تا حدودی به عنوان یک اصل مورد پذیرش واقع شده است که رفتار بر خلاف کنوانسیون‌ها و اسناد بین‌المللی مشروعیت اقدام‌های خودسرانه دولت‌ها را زیر سوال می‌برد. بنابراین، حتی ابر قدرتی چون ایالات متحده آمریکا در حمله به افغانستان و عراق به قطعنامه‌های شورای امنیت استناد می‌کند.

منابع

- ضیایی بیگدلی، م. ر. (۱۳۸۴). *حقوق بین الملل عمومی*. چاپ بیست و دوم. تهران: انتشارات گنج دانش.
- عامری، ه. (۱۳۹۱). *اصول روابط بین الملل*. چاپ اول (ویراست ششم). تهران: نشر آگه.
- فلسفی، ه. (۱۳۸۳). *حقوق بین الملل معاهدات*، چاپ دوم. تهران: فرهنگ نشر نو.
- پور اردکانی، ع. ب. (۱۳۸۵). *تعهد عام دولتها به رعایت و کسب اطمینان از رعایت حقوق بین الملل بشردوستانه توسط متخصصین*. *سالنامه ایرانی حقوق بین الملل و حقوق تطبیقی*، شماره ۲.
- زمانی، س. ق. (۱۳۹۲). *آموزش و پژوهش حقوق بین الملل در ایران؛ از وضع موجود تا وضع مطلوب*. جامعه بین المللی و حقوق بین الملل در قرن ۲۱ (مجموعه مقالات اهدایی به استاد دکتر محمدرضا ضیایی بیگدلی). چاپ اول. تهران: انتشارات شهر دانش.
- ضیایی بیگدلی، م. ر. (۱۳۹۱). *مجمع عمومی سازمان ملل متحد و جهانی شدن حقوق بین الملل*. مجموعه مقالات همایش نقش مجمع عمومی سازمان ملل متحد در تدوین و توسعه تدریجی حقوق بین الملل. چاپ اول. تهران: انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد و انتشارات شهردانش.
- ظاهری، ع. و رنجبر، ع. (۱۳۹۴). *تقدی بر فرایند مصونیت سازی دولتها از منظر حقوق بین الملل با تمرکز بر فعالیتهای ایالات متحده آمریکا*. مجموعه مقالات همایش مصونیت در حقوق بین الملل. چاپ اول. تهران: انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد و انتشارات گنج دانش.

- Berridge, G. R. and James, A. (2003). *A Dictionary of Diplomacy*. Palgrave MacMillan, Second Edition.
- Bourantonis, D. (2005). *The History and Politics of UN Security Council Reform*. New York: Routledge.
- Gorman, R. F. & Mihalkanin, E. S. (2007). *Historical Dictionary of Human Rights and Humanitarian Organizations (Historical Dictionaries of International Organizations, No. 26)*, Second Edition: The Scarecrow Press, Inc.
- Boothby, W. H. (2014). *Conflict Law: The Influence of New Weapons Technology*. Human Rights and Emerging Actors: Springer.
- Pictet, J. S. (1952). *Commentary on the Geneva Conventions I of 1949*. International Committee of the Red Cross (ICRC).
- _____ (2011). *Structure of Peace: Identifying what leads to peaceful societies*. Institute for Economics & Peace.
- Anderson, R. (2004). A Definition of Peace, Peace and Conflict. *Journal of Peace Psychology*, 10(2).
- Arkin, R. (2012). *Ethics and artificial intelligence*, in: *International Humanitarian Law and New Weapon Technologies*. International Institute of Hu-

manitarian Law (IIHL).

Bruno, S. and others (2012). *The Charter of the United Nations: A Commentary*, third edition, volume 1.

Fassbender, B. (2012). *The Security Council: Progress is Possible but Unlikely*. in: *Realizing Utopia: The Future of International Law*, Oxford university press.

Fellmeth, A. X. & Horwitz, M. (2009). *Guide to Latin in International Law*. Oxford University Press.

Blix, H. (2008). *Legal Restraints on the Use of Armed Force*. in: *Law at War: The Law as it Was and the Law as it Should Be*, International Humanitarian Law Series (Volume 22), Martinus Nijhoff, Leiden-Boston.

Bothe, M. (2011). *Setting the scene: new challenges for IHL*. in: *International Humanitarian Law and New Weapon Technologies*, International Institute of Humanitarian Law (IIHL).

Schmitt, M. N. (2002). *Wired warfare: Computer network attack and jus in bello*, *International Review of the Red Cross (IRRC)*, vol. 84, no. 846.

Sassòli, M. (2002). *State responsibility for violations of international humanitarian law*, *International Review of the Red Cross (IRRC)*, Vol.84, No.846.

Sharkey, N. (2012). *Drones proliferation and protection of civilians*. in: *International Humanitarian Law and New Weapon Technologies*, International Institute of Humanitarian Law (IIHL).

Scharf, M. & Andersen, E. (2010). *Is Lawfare Worth Defining?*. Report of the Cleveland Experts Meeting, *CASE W. RES. J. INT'L L*, Vol. 43:11.

ICJ, *Case Concerning Military and Paramilitary Activities in and Against Nicaragua (Nicaragua V. United States of America)*, Judgment of 26 November 1984.

ICJ, *Case Concerning the Barcelona Traction, Light and Power Company, Limited*, Judgment of 5 February 1970.

ICJ, *Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapons*, Advisory Opinion of 8 July 1996.

ICJ, *Military and Paramilitary Activities in and against Nicaragua (Nicaragua v. United States of America)*, Judgment of 27 June 1986.

ICJ, *Reservations to the Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide*, Advisory Opinion of May 28th, 1951.

<http://world-war-2.info/countries/>